



Qur'an and Textology; Approaches to the Inimitability of the Qur'an*

Fatemeh Asadi¹ 
Kamal Sahraei Ardakani²
Ahmad Zare' Zardini³
Abbas Mowzoon⁴

Abstract

Muslims are unanimous in accepting the principle of intercession in the system of Divine providence and the reckoning and evaluating deeds. Intercession has a more distinguished position among Shi'ites, to the extent that it is mentioned in the books of the early scholars as one of the principles of Shi'ite dogmatic ideology. However, there is disagreement about the area of its emergence. 'Allāma Ṭabāṭabā'ī studied intercession with a rational approach and deemed it as separate from superficial interpretations and perceptions, and presented a discourse that is a combination of interpretation of verses, narrations, rational argument, and the structuralism of the system of evolution about it. By delving into 'Allāma's views, it is possible to define the ontological nature of near-death experiences, including the greatest correspondence with the stage of the death throes and entering the world of purgatory. After summarizing and

* Received : 2024 Apr 26, Accepted : 2024 Sep 22

DOI: 10.22081/jqr.2024.68912.3993

1., Ph.D. Student in Qur'anic and Hadith Sciences, Meybod University. (Corresponding Author) assadii2021@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Meybod University. k_sahraei@yahoo.com

3. Associate Professor in the Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Meybod University. zarezardini@meybod.ac.ir

4. Researcher, Writer, and Document Producer of Near-Death Experiences, Ph.D. Student in Communications and Media, University of Tehran.

abbasmowzoun@yahoo.com

analyzing the views of this Shi'ite thinker, comparing them with the recorded results of one hundred near-death experiences of Shi'ites, a descriptive-analytical method was used to conclude that there is intercession in the stages of purgatory and its principles in near-death experiences in order to grant a chance for a renewed life. Since, according to some narrations, intercession, meaning forgiveness of sins deserving hellfire is specific to the Day of Judgment and does not include purgatory, some would like to give it the title of miraculous act and benediction. However, intercession means the providing assistance and annexation of the intercessed to the intercessor in a near-death experience in its manifestation of purgatory, which has the effect of returning them to the world and granting them the opportunity to make amends for some past actions, and has occurred repeatedly in these experiences.

Keyword: near-death experiences, Tafsīr al-Mīzān, purgatory, intercession, 'Allāma Ṭabāṭabā'i



تحلیل مؤلفه شفاعت در تجربیات نزدیک به مرگ با دیدگاه علامه طباطبائی*

فاطمه اسدی^۱ IDکمال صحرانی اردکانی^۲احمد زارع زردینی^۳عباس موزون^۴

چکیده:

مسلمانان بر پذیرفتن اصل شفاعت در دستگاه مشیت الهی و نظام حساب و کتاب اعمال، اجماع دارند. شفاعت نزد شیعیان جایگاهی ممتازتر دارد تا جایی که در کتب متقدمین به عنوان یکی از اصول اعتقادی شیعه نام برده شده است. لکن درباره عرصه ظهور آن اختلاف نظر وجود دارد. علامه طباطبائی با رویکرد خردورانه به بررسی شفاعت پرداخته‌اند و آن را از تفاسیر و برداشت‌های سطحی اندیشانه تجرید کرده‌اند. بحث ایشان مرکب از تفسیر آیات، روایات، برهان عقلی و ساختارشناسی نظام تکوین است. از واکاوی آرای علامه می‌توان دریافت ماهیت وجودشناختی تجارب نزدیک به مرگ، با مرحله سكرات موت و ورود به عالم برزخ بیشترین انطباق را دارد. جمع‌بندی و تحلیل آرای این اندیشمند شیعی و مقایسه آن با نتایج ثبت‌شده از صد تجربه نزدیک به مرگ شیعیان به روش توصیفی-تحلیلی، نشان می‌دهد شفاعت در مراتب برزخ و مبادی آن در تجربه‌های نزدیک به مرگ، به منظور اعطای فرصت حیات مجدد وجود دارد. از آنجاکه به تصریح برخی روایات، شفاعت به معنای آمرزش گناهان مستوجب آتش جهنم، خاص قیامت بوده و دربردارنده برزخ نمی‌شود، برخی عنوان کرامت و تفضل را بر آن نهاده‌اند. اما شفاعت به معنای دستگیری و انضمام مشفوع به شفیع در تجربه نزدیک به مرگ در جلوه برزخی آن که تأثیرش در بازگشت ایشان به دنیا و اعطای فرصت ادای مافات بوده است، در این تجربه‌ها بارها رخ داده است.

کلیدواژه‌ها: تجربیات نزدیک به مرگ، تفسیر المیزان، برزخ، شفاعت، علامه طباطبائی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22081/jqr.2024.68680.3971

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد (نویسنده مسئول) assadii2021@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد k_sahraei@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد zarezardini@meybod.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری ارتباطات و رسانه دانشگاه تهران abbasmozoun@yahoo.com



مقدمه

توجه به موضوع عالم غیب، زندگی ابدی و ساحت فرامادی وجود انسان در ادیان ابراهیمی همواره در معرض بحث و بررسی بوده است. در اسلام، مرگ به عنوان پدیده‌ای که در آن همه مؤلفه‌ها و اجزا، حیات و شعور دارند، معرفی شده است. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۴). تعبیر خلقت موت و حیات نشان می‌دهد که در این جهان‌بینی، مرگ، مخلوقی است که با ماهیتی تبعی از حیات، همواره در هستی در رابطه زوجیت با مفهوم حیات وجود دارد تا زمینهٔ ابتلائات الهی برای بشر فراهم گردد.

بدیهی است سیطرهٔ حدود دو قرن نظریات ماده‌بنیان بر محافل علمی جهان و سنت تغییرناپذیر هدایت عام الهی، موجب ظهور حجت‌های خدای متعال در این عصر به زبان و خصوصیات فضای غالب حاکم بر آن شده است. در همین راستا بازگشت افراد مشرف به مرگ به مدد پیشرفت‌های فنی در دانش پزشکی، سبب شده است تا اذهان به سمت گزارش‌هایی جلب شود که این افراد از ادراکات روحی خود خارج از کالبد ارائه می‌کردند.

تجربیات نزدیک به مرگ، با نام اختصاری NDE^۱ در پی سست شدن ارتباط بخش مادی وجود انسان با بخش غیرمادی وجود، پدید می‌آید. در پی ضعف این رابطه، بخش غیرمادی وجود، آزادی یافته و به ادراکاتی دست می‌یابد که در حالت تعلق کامل برایش ممکن نبود و درچه‌هایی از عالم غیب - بسته به قدرت و سعهٔ بخش فرامادی وجود - به روی فرد تجربه‌گر گشوده می‌شود.

این تجارب در طول تاریخ و در اقوام مختلف بشری سابقه‌ای هزاران ساله دارد. در حوزهٔ دانش دانشگاهی غربی برای نخستین بار در سال ۱۹۶۵م یک پزشک، روان‌شناس و زبان‌شناس آمریکایی به نام دکتر «ریموند مودی»^۲، پژوهش‌هایی دربارهٔ تجارب نزدیک به مرگ را آغاز کرد. وی طی مستندسازی گزارش‌های این تجارب توسط افرادی که مرگ بالینی را تجربه کرده بودند، متوجه ویژگی‌های مشترک در ادراکات شد؛ مانند احساس بیرون بودن از بدن، احساس سفر در یک دهلیز، مواجهه با بستگان مرده، مواجهه با نور روشن و غیره.

1. Near-death experience
2. Raymond Moody

پس از تلاش‌های دکتر مودی، حجم عظیمی از کارهای مرتبط با NDE، در کشورهای غربی انجام گرفته است و انجمن‌های متعددی با مأموریت تحقیق در این زمینه در سراسر جهان تشکیل شده‌اند. (مودی، ۱۳۶۳: ۳۴-۸۵)

تا کنون تبیین‌های فیزیکی و نورولوژیک و متافیزیکی در شرح این پدیده ارائه شده است. تبیین‌های فیزیکالیسمی بیشتر بر پایه فرایندهای آسیب‌شناختی استوار است (March, 2010: p. 252 also 2016: p. 10). تبیین‌های متافیزیکی که در پاسخ به فیزیکالیست‌ها ارائه شده‌اند و به تجربیات نزدیک به مرگ نابینایان و توصیفات دقیق عینی تجربه‌گران از وقایع اطراف خود و مکان‌های دوردست در شرایط توقف فعالیت مغزی استناد کرده‌اند. (Grisson, 2009: p. 230) مدل‌های مختلفی تاکنون برای توضیح این پدیده از منظر علوم گوناگون ارایه شده است، اما با توجه به غلبهٔ براهین محققان به ادعاهای فیزیکالیسمی از این تجربیات، از دیدگاه پژوهش‌های علوم متافیزیک، تجربه‌های نزدیک به مرگ ظرفیت مهمی برای اثبات تجرد بخش غیرمادی وجود انسان دارند و از آن حیث که می‌توانند بنیان مکاتب مادی را در هم شکنند، با اقبال محافل علمی دینی نیز مواجه شده‌اند. در کشور ما این شاخه از دانش، نوپا بوده و با وجود تمکن متون دینی از منظر گزاره‌های مرگ و معادشناختی، آثار علمی-توصیفی اندکی دربارهٔ ابعاد مختلف آن انجام شده است.

موضوع مرگ و معاد همچنان عرصهٔ یکی از پربسامدترین موضوعات پژوهشی است. علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان و دیگر آثار علمی خویش، پیچیدگی‌های موضوع معاد را با نگره‌ای عقلی-تحلیلی باز نموده است و معارف سرشاری را در این حوزه در آثار علمی خود، بر جای گذاشته است. براین اساس، در مواجهه با ابهامات و سؤالاتی که در گزارش‌های تجربه‌های نزدیک به مرگ و ادراکات تجربه‌گران روی می‌دهد، می‌توان ضمن رعایت روش‌شناسی علمی علامه و تشکیل منظومهٔ منطقی از آرا و نظریات تفسیری، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی ایشان در کنار آرای معادشناختی، به این ابهامات پاسخ داد.

با توجه به رواج تفاسیر گاه نادرست و مختلط از عناصر این گزارش‌ها و ابهام‌آفرینی حول مؤلفه‌های آن، در این جستار کوشیده‌ایم یکی از مؤلفه‌های اساسی را که وزن معرفتی





فراوانی دارد، برگزینیم و با استفاده از نظام فکری علامه طباطبایی بررسی و تحلیل کنیم. پیش از ورود به بحث، گفتنی است بیشتر تجربه‌گران نزدیک به مرگ، از ادراکاتی روایت می‌کنند که مهم‌ترین آنها دربردارنده موارد ذیل است:

احساس خارج شدن از بدن، نامفهوم بودن زمان، مرور زندگی، رؤیت نور درخشان، تشدید قدرت حواس مادی، عبور از یک گذرگاه، ادراک حفاظت شدن از سوی همراه، احساس سرور و آرامش، دیدار با اقوام و آشنایان درگذشته که این موارد، هسته مشترک تجربه‌ها را تشکیل می‌دهد. در کنار آن مواردی از ادراکات وجود دارد که با وجود فراوانی به کثرت هسته مشترک، شمول جهانی ندارد؛ از قبیل تجسم اعمال، ملاقات با مقدسین و برخورداری از شفاعت، احساس انس و آشنایی با محیط جدید، ادراک یگانگی با هستی.^۱

در میان تجربه‌گران شیعه ملاقات با اولیای الهی و تمسک به ایشان برای بازگشت به دنیا بسیار گزارش شده است.^۲ این موضوع در صورت اثبات، غنی از پשתوانه‌های آموزه‌های شیعی است. این مؤلفه از جنبه معرفت‌شناختی در اثبات حقانیت اصول مذهب شیعه صراحت دارد. داده‌های مربوط به ادراکات نزدیک به مرگ از طریق مراجعه به مصاحبه‌های ضبط‌شده و مستندات پژوهشی ارائه‌شده توسط دکتر عباس موزون، پژوهش‌گر تجربه‌های نزدیک به مرگ و با همکاری ایشان گردآوری شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی و مبتنی بر تحلیل داده‌های ثانویه است.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که مؤلفه برخورداری از شفاعت اولیای الهی در ادراکات نزدیک به مرگ که توسط بیشتر تجربه‌گران شیعه گزارش می‌شود، بر مبنای اندیشه علامه طباطبایی، از حیث نفی و اثبات چه وضعیتی دارد؟

پیشینه پژوهش

با توجه به مطرح شدن تجارب نزدیک به مرگ در فضای رسانه‌ای و استقبال جامعه از این مقوله، چند سالی است شاهد پژوهش‌هایی در این حوزه هستیم. کتبی که جنبه سرگذشت و داستان روایی دارند مانند بازگشت، آن سوی مرگ، سه دقیقه در قیامت، خاطرات آموزنده و

۱. ن ک : آرشیو شبکه ۴ سیمای جمهوری اسلامی ایران. مستند پژوهشی زندگی پس از زندگی. Tv4.ir
۲ همان.



کتب خارجی ترجمه شده در موضوع تجربیات نزدیک به مرگ؛ مانند زندگی پس از زندگی اثر ریموند مودی، در آغوش نور تألیف ایبن الکساندر، ادراکات لحظات مرگ و تحولات روحی آن نوشته ملوین مورس، تنها به انعکاس گزارش‌ها پرداخته‌اند و وارد تحلیل علمی موضوع نشده‌اند. دسته دوم کتاب‌هایی مانند مرگ آشنایی و زندگی در کرانه‌ها نوشته مجتبی اعتمادی‌نیا (۱۳۹۲ و ۱۳۹۷) است که به چستی و بررسی نقادانه تبیین‌های مختلف از این تجارب، پرداخته‌اند و ضعف‌ها و چالش‌های هر تبیین را بررسی می‌کند.

از پایان‌نامه‌هایی که در سال‌های اخیر درباره موضوع تجارب نزدیک به مرگ ارائه شده‌اند، می‌توان به پایان‌نامه «بررسی ویژگی‌های تجربه نزدیک به مرگ از دیدگاه عقل، نقل و تجربه» (سالاریان، ۱۳۹۹) از دانشگاه قرآن و حدیث نام برد که در آن تجربه‌ها به دو دسته مثبت و منفی تقسیم شده‌اند و برای هر کدام ویژگی‌های متعددی بیان شده است. اما نویسنده این پایان‌نامه مؤلفه‌ها را شناسایی نکرده و موضوعات ارائه شده در چارچوب دیدگاه علامه طباطبائی قرار ندارد. در پایان‌نامه «تحلیل تطبیقی تجربیات نزدیک به مرگ در کلام جدید و عرفان اسلامی با توجه به آیات و روایات» (فرحناکیان، ۱۳۹۳) از دانشگاه اصفهان، نویسنده با اشاره به آیات و روایات در حوزه معاد، تباین میان این تجربه‌ها را با آموزه‌های قرآنی و روایی رد می‌کند و از سویی محتویات تجربه‌های اصیل را با مکاشفات عارفان هماهنگ و قابل مقایسه می‌داند. همچنین پایان‌نامه «تفاسیر دینی تجربه‌های نزدیک به مرگ» (اعتمادی‌نیا، ۱۳۹۰) از دانشگاه ادیان و مذاهب به مطالعه میزان سازگاری و توان تفسیری گزاره‌های آخرت‌شناسانه ادیان سامی در مواجهه با عناصر تجربه نزدیک به مرگ می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد با استناد به این تجربه‌ها به‌طور کامل نمی‌توان فرضیه بقا را انتخاب کرد، اگرچه مجموعه‌ای از شواهد و قرائن ناظر به تجربه نزدیک به مرگ می‌تواند ما را در انتخاب بقا موجه جلوه دهد. از دیگر موارد پیشینه این پژوهش مقالاتی هستند که تجارب نزدیک به مرگ را یا از منظر شبهه تناسخ (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۸) و یا نقد دیدگاه‌های متناظر با آن (ساعی، قاسمیان‌نژاد، ۱۳۹۳) یا تبیین رابطه روح و بدن با تکیه بر نظریه تجربه‌های نزدیک مرگ (همان) بررسی کرده‌اند و چند مورد دیگر که اساساً از زوایای متمایزی به این پدیده نگریسته‌اند. بنابراین هیچ‌یک از این مطالعات وارد فاز تحلیل



مقایسه‌ای مؤلفه‌های تجربیات با دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان نشده‌اند.

بررسی تحلیلی هر یک از مؤلفه‌های بنیادین تجربه نزدیک به مرگ، می‌تواند موضوع پژوهش‌های مجزا و مفصلی باشد. در این میان، عرضه بر آرای اسلام‌شناسان مبرز و جامعی مانند علامه سید محمدحسین طباطبایی بسیار راه‌گشاست. مؤلفه شفاعت در عالم برزخ مورد اختلاف نظر اندیشمندان قرار دارد. جمع و تحلیل آرای انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معادشناسی علامه از ابعاد عقلی، نقلی و عرفانی و مقایسه با گزارش‌های موجود، می‌تواند این اختلاف را حل کند.

۱. بنیان نظری تجربه‌های نزدیک به مرگ

تواتر یکی از مبانی پذیرفته‌شده در علم منطق است که به‌عنوان ابزاری برای صحت‌سنجی و دستیابی به واقع، نزد عقلا کاربرد دارد. بنا بر تعریف منطقی، به گزاره‌ای متواتر گفته می‌شود که کثرت گواهی‌ها شکی در صدق آن باقی نمی‌گذارد، به نحوی که یکسان بودن گواهی‌های متعدد را نمی‌توان حمل بر توافق گواهان کرد، در حالی که شک کردن در آن اساساً ممکن است (ابن سینا، ۱۳۷۷ق: ۲۱۸/۱). بر این اساس، تجربیات نزدیک به مرگ را می‌توان از دیدگاه علم منطق، اخبار متواتر دانست؛ زیرا توسط شمار زیادی از تجربه‌گرانی از ملل، نژادها، فرهنگ‌ها و آیین‌های دینی گوناگون، گواهی شده است. تکرار هسته مشترک این تجارب با وجود کوناگونی و تنوع زمینه‌های فردی تجربه‌گران از بنیان‌هایی است که این پدیده را متواتر نموده و در عطف توجهات قرار داده است. همچنین وجود هسته مشترک و شباهت‌های بسیار میان اجزای این تجارب در افراد می‌تواند به شکل‌گیری برهان‌هایی در شناخت ماهوی پدیده کمک کند.

۲. ماهیت وجودشناختی تجربه نزدیک به مرگ

آن‌گونه که از قراین و شواهد، مستندات و دریافت‌های تجربه‌گران، در تطبیق با نصوص و مبانی قرآنی، روایی، براهین فلسفی و شهودی پیداست، NDE حالتی شبیه به احتضار و سكرات مرگ را به تصویر می‌کشد که در مواردی نیز با توجه به شدت قطع ارتباط روح با جسم و علل نفسی، مبادی و مراتب عالم برزخ را دربرمی‌گیرد. از آیات قرآن بر می‌آید که بی‌هوشی یا سكرات مرگ یک مرحله پیش از مرگ است که در این مرحله پرده از جلوی

دیدگان محتضر، کنار می‌رود و حقایقی را که از آنها غافل بود، می‌بیند: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ حِيدٌ فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق: ۲۲)

از تأمل در این آیه به دست می‌آید که مستی مرگ، همان سست شدن ارتباط نفس با بُعد جسمانی و نه قطع ارتباط کامل آن دو برابر با گشوده شدن دریچه‌هایی از عالم غیب و مشهود شدن برخی حقایق غیبی نزد محتضر است. از بُعد نشئه برزخ نیز این نکته اهمیت دارد که برزخ، حقیقتی ذو مراتب^۱ است و مراتب ادراک همه انسان‌ها در آن با هم برابر نیست، هرکه بسته به درجه ایمانی و ظرف وجودی خود، قابلیت را به دست می‌آورد، مرتبه‌ای از مراتب آن را درک می‌کند. از سویی اگرچه هر تجربه‌ای نسبت تام با مُدرک و قوای ادراکی فرد، سعه احاطه و ملکات نفسانی او دارد، نمی‌توان و شاید با قطعیت گفت همه تجربه‌گران در حال احتضار و تجربه مستی مرگ بوده‌اند و یا همه آنها به مراتبی از برزخ و عالم مثال راه یافته‌اند.

بدیهی است براساس ادله متعدد موجود در آثار بزرگانی همچون علامه طباطبایی و شاگردانش، مشاهده غیوبی از عالم برزخ، مستلزم ورود به قبر نیست؛ زیرا در عالم طبع نیز مجاهدانی با تهذیب نفس و سیر الی الله حتی مراتب عالی برزخ را به حیات دنیوی خود پیوند زده‌اند و هم‌زمان هر دو عالم را اداره کرده‌اند. از این‌رو هرگاه حجاب طبیعت و تعلقات دنیایی کنار رود، هم‌زمان عالم برزخ مشاهده و ادراک خواهد شد؛ خواه با موت اختیاری^۲ و قطع هدفمند تعلقات نفسی و خواه با حادثه جبری منجر به قطع ارتباط نفس با بدن جسمانی در قالب تجربه نزدیک به مرگ.

علما و عرفای راه‌آشنا مانند علامه حسن‌زاده آملی در این خصوص معتقدند: «بدان که خواب و حالت احتضار و تنویم مغناطیسی و حالت غشوه و امثال آنها هیچ‌یک موضوعیت در تمثل صور مثالی در صقع نفس ندارد و آنکه موضوعیت دارد، انصراف از تعلقات است،

۱. برزخ یک حقیقت وجودی است و حکما معتقدند که وجود حقیقتی ذومراتب است که درجات مختلفی از شدت و ضعف و تقدم و تاخردارد. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۹)

۲. اصطلاح مرگ اختیاری یا مرگ ارادی که در واقع برگرفته از یکی از احادیث مشهور نبوی است: «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۹/۶۹)، یکی از تعبیر پرکاربرد در آثار عارفان است.





مگر آن نفس کاملی که حضرتی (حضوری) او را از حضرتی باز نمی‌دارد و مظهر اسم شریف یا من لا یشغله شأن عن شأن گردیده است. پس اگر در بیداری انصراف حاصل شود، تمثیل و تمثلات و نزل و تنزلات بهتر از خواب عاید انسان می‌گردد و مراقبت مفتاح است.» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۰: ۲۲). تأمل در آیه ۲۲ سوره ق نیز چنین تحلیلی را منطقی نشان می‌دهد.

۳. قواعد حیات برزخی

بر اساس آرای علامه طباطبائی، اهم قواعد حاکم بر حیات برزخی دربردارنده ویژگی‌های ذیل است:

«حیات انفرادی و فروپاشی نظام زیست جمعی (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۸۴/۲-۱۸۵؛ همو، ۱۳۸۸: ۷۷)، تتمه حیات دنیا (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۹۰؛ همو، ۱۳۷۴: ۱۳۳/۸)، حسابرسی کلی و عدم ورود به جزئیات (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۹۲)، دار آماده شدن برای آخرت (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۹/۱۱)، منزل‌گاه موقت (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸/۱۱)، عدم انقطاع کامل علایق مادی (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۹۶)، محیط بودن قیامت بر عالم برزخ و برزخ بر عالم دنیا (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۱۴)، عدم زوال کامل اسباب و کلیه حجاب‌ها (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۱۷)، ادامه سیر تکامل در مسیر سعادت یا شقاوت (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۳۴/۸؛ طهرانی، بی‌تا: ۲۴۲) و شکل یافتن مواد اشیای برزخی از اعمال و ملکات نفس انسان (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۴۰/۲). مجموع این قواعد به شکل کلی در تجربه‌های مورد مطالعه وجود دارد؛ هرچند ممکن است هر تجربه‌ای تنها مواردی از آنها را ترسیم کند.

با کنار هم قرار دادن این ویژگی‌ها در مراتب برزخی، می‌توان گفت تجربه نزدیک به مرگ پدیده‌ای وجودشناختی است که از منظر اراده الهی، خصوصیات عالم امر را در برابر عالم خلق نشان می‌دهد و هم‌زمان میان عوالم چهارگانه اسما، عقل، مثال و طبع، جزء عالم مثال و میان نشئات دنیا، برزخ و آخرت، منطبق بر عالم برزخ و مراتب نازل آن است؛ زیرا براساس گزارش‌های متواتر، عناصر آن، بیشترین نزدیکی را با ویژگی‌های وجود برزخی دارد. مرگ، موجب ورود به عالم برزخ کبری می‌شود و بیشتر تجربه‌های نزدیک به مرگ، به دلیل عدم انقطاع کامل روح از بدن، دربردارنده مراتب تنزل یافته آن عالم است. گفتنی است



تجربه گرانی نیز بوده اند که بسته به استعداد بالاتری که داشته اند و یا مصالح الهی دیگر، از مدارج سفلی نیز پیش رفته، عذاب ها یا نعمات برزخی اموات را نیز ادراک کرده اند.^۱ در جایی که نمونه هایی از چنین مشاهداتی برای افراد در همین دنیا نیز روی داده است (دستغیب، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۶)، داشتن مشاهدات برزخی برای تجربه گر نزدیک به مرگ به نحو اولی ثابت است.

۴. مؤلفه شفاعت در تجارب نزدیک به مرگ شیعیان

۱-۴. توصیف تحلیلی مؤلفه

شفع در لغت به «ضَمُّ الشَّيْءِ إِلَى مِثْلِهِ» یا ضمیمه شدن چیزی به چیزی شبیه خودش، معنا شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۶۶) و شفاعت به «الانضمام الی آخر ناصراً له و سائلاً عنه»؛ به معنای انضمام کسی به دیگری برای یاری رساندن یا در برابر درخواست او، معنا شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۶۶)

متکلمین شیعه، اعتقاد به شفاعت را یکی از اصول عقاید شیعه می دانند و این مقام را مشمول اصناف انبیاء، اوصیاء، مؤمنین و ملائکه بر می شمارند. (صدوق، ۱۴۱۴ق: ۶۶)

۲-۴. نفی شفاعت اعتباری در قرآن

یکی از ویژگی های نشئه دنیا، آمیخته بودن نظام حیات دنیوی در این نشئه با امور اعتباری است با توجه به اینکه در نظام های مادی و شرک آمیز این امر، بسیار غالب است؛ از این رو آیاتی مانند «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره: ۴۸) و آیه ۱۲۳ سوره بقره با همین مضمون، بر فضای اعتباری حاکم بر زمان نزول، خط بطلان می کشد و وجود این نوع روابط اعتباری را در قیامت، برای شفاعت نزد خداوند، نفی می کند.

بر این اساس، در عالم پس از مرگ شفاعت اعتباری به معنای اعتباریاتی که در شئون دنیوی شناخته می شوند، وجود ندارد و قرآن این نوع شفاعت را نفی می کند، اما شفاعت

۱. مصاحبه پخش شده از سیمای جمهوری اسلامی ایران، مستند زندگی پس از زندگی، فصل چهارم، قسمت ۲۰، تاریخ ۱۴۰۲/۱/۲۳. همان. فصل چهارم، قسمت ۳۰ و ۳۱، تاریخ ۱۴۰۲/۲/۴. همان. فصل اول. تاریخ ۱۳۹۹/۲/۱۱



حقیقی را که ایجاد تناسب و سنخیت میان شافع و مشفوع است می‌پذیرد و می‌توان آن را در مجموعه معارف قرآنی یافت. شفاعت حقیقی بر پایهٔ تشافع، شکل می‌گیرد. منظور از تشافع، براساس معنای لغوی شفع، زوج شدن و انضمام دو چیز است که رفتن به باب تفاعل، رابطه‌ای طرفینی به آن می‌بخشد.

۳-۴. مراتب شفاعت در حقیقت انسان

امام خمینی در تقریرات خود معتقد است، شفاعت، شفعت باطن ماست با آنچه زوج شده‌ایم. اگر آن کسی که ما حقیقتاً به او پیوند خوردیم، عالی باشد، ما را بالا می‌برد و اگر با فرد دانی شفع شدیم ما را پایین می‌برد. (خمینی، ۱۳۸۱: ۲۶۷/۳) ایشان شفاعت را منحصر به روز قیامت نمی‌داند و به شفاعت در مراحل مختلفی، همچون سكرات مرگ، قبر، قیامت و مواقف قیامت معتقد است.

در این دیدگاه مفهوم شفاعت با انسان‌شناسی دینی ترسیم شده است. انسان‌شناسی دینی بر پایهٔ سه ساحت ذات، صفات و افعال با مبحث شفاعت گره می‌خورد. به بیان دیگر، شفعت یا زوج شدن انسان با شفیع، در سه ساحت ممکن است و مراتب شفاعت نیز در این سه ساحت ظهور می‌یابد. اولین مرتبهٔ شفاعت، شفاعت در مرتبهٔ ذات است که بر اساس تناسب و انضمام نفس در ذات خودش با شافع که همان برخورداری از نور توحید و ولایت است، تعریف می‌شود (خمینی، ۱۳۸۱: ۲۶۷؛ همو. ۱۳۸۱: ۳۷۴)

دومین مرتبهٔ شفاعت، مرتبهٔ صفات است که هماهنگی افزون بر مرتبهٔ ذات، صفات را نیز دربر می‌گیرد. یعنی شافع و مشفوع در ذات و صفات با یکدیگر نسبتی از تناسب و تشافع را دارا هستند. (خمینی، ۱۳۸۲: ۳۷۴) در مرتبهٔ سوم، افزون بر ذات و صفات، هم‌بستگی وجودی به افعال نیز سرایت می‌کند و مشفوع در افعال خود نیز با شافع پیوند می‌خورد. از این رو بالاترین جلوهٔ شفاعت، تناسب و هماهنگی در هر سه مرتبهٔ ذات، صفات و افعال است و اگر چنین پیوند سه‌گانه‌ای از سوی مشفوع نسبت به شافع برقرار شود، شفاعت بالاترین جلوهٔ خود را نمایان می‌کند.

با توجه به این مراتب، شمول شفاعت اولیای الهی برای هر فرد در نشئهٔ آخری، اعم از برزخ و قیامت متفاوت است؛ زیرا انسان‌ها بسته به درجهٔ ایمان و اعمال خود، مراتب



متفاوتی از الحاق ذاتی، صفاتی و افعالی به اولیای دین که در هر سه ساحت مظهر کمال هستند، دارند. الحاق ذاتی را باید در سنت طینت در نظام خلقت جست که اتصال به نور توحید و ولایت است؛ الحاق صفاتی تبعیت در اخلاق و صفات است و الحاق افعالی را در تشابهات رفتاری و اعمال می‌توان یافت. استناد به الحاق در هر سه این ساحات در قالب روایاتی همچون «سلمان مّا اهل البیت» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۶۴) پذیرفتنی است.

۵. مؤلفه شفاعت در نتایج حاصل از مصاحبه با صد تجربه‌گر نزدیک به مرگ

در گزارش‌های تجارب نزدیک به مرگ، موارد متعددی از شفاعت نمودن اولیای الهی به اشکال گوناگون روایت شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی در مصاحبه با قریب به صد تجربه‌گر ایرانی و شیعه،^۱ می‌توان از حیث جلوه‌های شفاعت امامان و دیگر بزرگان دینی، این تجربه‌ها را به انواع زیر تقسیم نمود:

۱. بازگشت تجربه‌گر به دنیا بدون شفاعت؛

۲. بازگشت تجربه‌گر به دنیا و اعطای فرصت دوباره به علت شفاعت؛

– شفاعت ضمن درک حضور و رؤیت مقام شفیع؛

– شفاعت از طریق اعلام همراه ملکوتی، بدون درک حضور و رؤیت شفیع؛

۳. شفاعت در موقف و مکان سخت و عذاب‌آور برای تخفیف و نجات؛

۴. شفاعت در اعطای فرصت حین بازخوانی نامه اعمال.

بحث درباره هر یک از موارد فوق مستلزم مطالعه موردی دقیق در حیات فردی و پس‌زمینه‌های روحی تجربه‌گران از ابعاد گوناگون است که دسترسی به این جزئیات در مورد افراد مصاحبه‌شونده در رسالت پژوهش حاضر نیست. از این‌رو در این جستار نمایی کلی از اقسام شفاعت اعمال شده برای تجربه‌گران نزدیک به مرگ، ترسیم گردیده است.

گفتنی است در کتب مرتبط با معاد، موارد فراوانی از شفاعت شدن توسط امامان شیعه در عالم برزخ روایت شده است. داستان مشهور دیدن خواب شیخ مرتضی حائری یزدی

۱. در این مطالعه از آرشیو مصاحبات انجام شده در شبکه ۴ سیمای جمهوری اسلامی ایران، در چهار فصل مستند پژوهشی به‌نام زندگی پس از زندگی، (۱۳۹۹-۱۴۰۲) به کارگردانی و پژوهش دکتر عباس موزون، بهره گرفته شده است.



پس از مرگش که به آمدن حضرت امام رضا^۷، در قبر به تعداد زیارات مشرف شده، اشاره دارد از آن جمله است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۰۶/۶) و یا شفاعت نمودن حضرت امام حسین^۷ از شیخ علی شیرازی در مواجه شدن با صورت برزخی عمل سوء خلقش که به شکل سگی سفید در قبر ظاهر شده بود و دور نمودن آن. (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۳۶/۱)

در آثار مشهور حوزه معاد، برای هر یک از تقسیمات پیشین، مواردی ثبت شده است که نمایانگر مسبوق به سابقه بودن راه‌های چندگانه اشاره شده در این باب است. به طور مثال برای شفاعت جهت بازگشت بدون درک حضور شفیع، می‌توان به ماجرای اشاره کرد که در آن تجربه‌گر، خود را در سكرات موت به دلیل ترك حج در محله یهودیان می‌بیند و برای بازگشت به حضرت امام حسین^۷ توسل می‌کند که در نتیجه ۱۰ سال به عمر او افزوده می‌شود. (دستغیب، ۱۳۷۶: ۱۷۳) و یا در مورد بازگشت به دنیا نیز می‌توان به زنده شدن مرده با توسل مادر یا پدر به حضرت اباعبدالله، همراه با دیدار و امر مستقیم به ملائکه اشاره کرد (دستغیب، ۱۳۷۶: ۳۹-۴۰). نقل‌های متعددی از این گونه در کتب مربوط وجود دارد.^۱

۱-۵. تحلیل مؤلفه شفاعت اولیاء در مستندات موجود

با استناد به مصاحبه انجام شده با تجربه‌گران، از حیث مؤلفه شفاعت به طور کلی گزاره‌های ذیل استخراج شد:

۱. حیات دنیا فرصتی ناب برای کسب کمالات روحی است. شفاعت اولیای خدا برای بازگشت تجربه‌گر به دنیا حتی با وجود اشتیاق شدید محبین‌شان برای ماندن در جوار آنان، بیانگر سختی مواقف برزخی، دقت رسیدگی در وادی حق الناس و حقوق والدین و لزوم کسب زمینه برای شفاعت در دنیاست.

۲. توسلات دنیایی، زیارات و جلب نظر ائمه معصومین؛ با اهدای اعمال به آنان و برگزاری محافل ذکر به یاد ایشان، رابطه‌ای مستقیم با بهره‌مندی از عنایات این بزرگواران دارد.

۳. بیشتر این شفاعت‌ها در بازگشت به عالم دنیا نمود دارد.

۱. برای آگاهی از موارد بیشتر ر.ک: دستغیب، داستانهای شگفت.

۴. دلایل بازگشت از مرگ ضمن شفاعت برای تجربه‌گران به علل زیر باز می‌گردد:

- اعطای فرصت برای جبران گذشته یا حق الناس به خود تجربه‌گر؛
- اعطای فرصت برای بازگشت به دلیل توسل و تضرع خانواده؛
- اعطای فرصت برای بازگشت به دلیل الطاف الهی در حق اطرافیان و فرزندان و آینده ایشان؛
- اعطای فرصت به خاطر فرزندی که از نسل اوست و هنوز متولد نشده است؛
- وساطت برای بازگشت از سوی یک یا چند تن از درگذشتگان تجربه‌گر؛
- اعطای فرصت حیات مجدد به علت رابطه محبت و ارادت شدید تجربه‌گر در دنیا، به مقام حضرات معصومین:.

۲-۵. شافعین در صد تجربه نزدیک به مرگ

در گزارش‌های مستندشده از صد تجربه‌گر نزدیک به مرگ درباره شفاعتی که در این تجربه‌ها به تجربه‌گران یاری رسانده و موجب بازگشت آنان شدند، در رتبه نخست حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، در رتبه دوم حضرت فاطمه زهرا، در رتبه‌های بعدی حضرت امام رضا (ع)، حضرت ابوالفضل (ع)، حضرت رقیه و در یک مورد امام زاده‌ای که تجربه‌گر خادم آستانش بود ریال ثبت شده‌اند. همچنین در برخی موارد والدین یا اجداد و نزدیکان درگذشته تجربه‌گر به‌عنوان شفیع ثبت شده‌اند.

۳-۵. تحلیلی بر شافعین

بر اساس آنچه در تجربه‌ها نقل شده است، مقام ملکوتی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و تصرفات و حکومت خاص ایشان در عالم برزخ بسیار برجسته است (ع). این حقیقت سازگار با احادیث متواتر در جایگاه بی‌بدیل حضرتش در دستگیری از افراد می‌باشد. رتبه اول در مقام شفاعت در این ادراکات در میان شیعیان، مربوط به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است. در تأیید این مدعا می‌توان به روایات مشهوری مانند: «انّ الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة» (بحرانی، ۱۴۱۳ق: ۵۲) از پیامبر گرامی اسلام (ص) و همچنین روایت امام صادق (ع) در شرح فرازی از سجده زیارت عاشورا، «اللهم ارزقنی شفاعة الحسین يوم الورود» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۷۹) استناد نمود که امام یوم الورود را به





ورود در قبر تفسیر می‌کنند. روایات متعددی درباره شفاعت وسیع حضرتش از گنه‌کاران امت، وارد شده است.^۱ حکومتی که خاص قیامت نیست و در همه مراحل نشئه پس از دنیا جاری است.

۶. شفاعت از منظر علامه طباطبایی

علامه طباطبایی از اندیشمندانی است که اعتقاد به شفاعت را در مفهومی عقلی و منطقی به تصویر کشیده است. وی بحثی مرکب از تفسیر آیات، روایات، برهان عقلی و ساختارشناسی نظام هستی درباره آن ارائه می‌دهد. در ادامه جمع‌بندی و تحلیل آرای این اندیشمند شیعی، در مقایسه و تحلیل با یافته‌های گردآوری‌شده از صد تجربه نزدیک به مرگ، پرداخته خواهد شد.

۱-۶. شفاعت در آرای تفسیری علامه طباطبایی

در سنت مقدرات الهی، اولیاء و مقربین به عنوان وسائط فیض از حق شفاعت برخوردارند و مقام محمود در قرآن کریم که نبی مکرم اسلام^۹ در سورة اسرا آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسرا/۷۹)، به آن مفتخر شده است، براساس تفاسیر، مقام شفاعت است. علامه در بحث روایی ذیل این آیه، روایاتی را از کتب تفسیری و روایی نقل می‌کند که همه آنها مقام محمود برای پیامبر اسلام^۹ را مقام شفاعت تفسیر کرده‌اند^۲ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۶۶).

شفاعت در یک ترسیم کلامی، روندی است که ابتدا موجب الحاق مشفوع به شافع و سپس ارتقای وجودی او می‌شود. وقتی مشفوع به شافع قرابت یافت، آنگاه از برخی موانع عبور داده می‌شود. این مطلب در آیه‌ای که علامه به آن استناد کرده به این نحو بیان شده است که خداوند می‌فرماید به زودی «مطیعین» را به اولیای ایشان که به نعمت الهی، منعم

۱. برای اطلاع از موارد بیشتر ر.ک: کامل الزیارات: محمد بن جعفر ابن قولویه.
 ۲. این معنا در روایاتی بسیار زیاد، به‌طور مختصر و مفصل، هم به‌شیوه‌های متعدد از سنی و شیعه روایت شده است، این روایات دلالت دارد بر اینکه مقام محمود در آیه شریفه همان مقام شفاعت است. البته منافات هم ندارد که غیر آن جناب، یعنی دیگر انبیا و غیرانبیا هم بتوانند شفاعت کنند، چون ممکن است شفاعت آنان فرع شفاعت آن جناب باشد و فتح باب شفاعت به‌دست آن جناب انجام شود. در تفسیر عیاشی نیز از یکی از دو امام باقر و صادق^۸ روایت آمده است که در تفسیر آیه «عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» فرمود: این مقام شفاعت است... حدی نیست مگر آنکه محتاج شفاعت آن جناب باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۶۶)



هستند، ملحق خواهد ساخت: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹). علامه نتیجه می‌گیرد چون اطاعت، قرار دادن اراده خود تحت اراده مطاع است، در واقع به جای مطیع، مطاع در افعال و اراده، جانشین نفس مطیع شده و ولی اوست. از این رو الحاق مطیع به انبیا و اولیایی که در آیه نام برده شده‌اند، تصریح شده است. روایات حاضر شدن امامان، بر بالین شخص محتضر برای یاری و بشارت به وی، به عنوان تأیید روایی در این بخش نقل شده‌اند. (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۸۰-۸۱) وی طبق این بیان، الحاق شفیع به شافع و این اصل را که شفاعت ریشه در اطاعت دارد، اثبات می‌کند.

علامه در تفسیر المیزان با استناد به آیاتی دیگر، مانند آیه نفی شفاعت برای همه به غیر از شاهدان حق^۱، (زخرف: ۸۶) و تفسیر آن با شماری از آیات مرتبط با موضوع^۲ مانند آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) و آیه ۷۹ سورة واقعه^۳ بالاترین مرتبه شفاعت را بعد از رسول اکرم ۹ برای امامان معصوم، اثبات کرده است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۱/۷-۶۲) آیه اخیر که علم به قرآن را در انحصار مطهرین قرار می‌دهد و تناظر هر دو آیه با یکدیگر اثبات می‌کند که اهل بیت پیامبر، پاکان و عالمان به قرآن هستند، همان‌ها در مسئله شهادت به حق (اشاره به آیه ۸۶ زخرف) از افراد امت هستند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۳/۷)

۶-۲. شفاعت از منظر برهان عقلی در کلام علامه طباطبائی

رویکرد علامه طباطبائی در موضوعات مرتبط با معاد و جهان آخرت، سنجش با محک برهان و ارتقا دادن بحث از جمود در نص، به افق انضمام با دیگر وجوه تعالیم دینی و عقلی است. وی ذیل آیات شفاعت در قرآن کریم، مفهوم شفاعت را به نحوی کاملاً عقلانی بیان می‌کند.

۱. «وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (زخرف: ۸۶)
۲. «وَحُتْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء: ۴۰) و آیات وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ (نحل: ۸۹) «وَنَزَّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ» (شعرا: ۱۹۳-۱۹۴)
۳. «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»



۶-۲-۱. شفاعت از منظر نظام اسباب

عَلَّامَه طباطبایی در مباحث تفسیری، بحث مبسوطی در نسبت شفاعت به معنای اصطلاحی آن با سلسله اسباب نموده‌اند و آن را به دو دسته شفاعت تکوینی و تشریعی تقسیم کرده‌اند. ایشان از دالّ معنایی لغت شفع، به معنی جفت در برابر وتر، بهره جسته و می‌گویند در واقع شخص متوسل به شفیع، نیروی خودش در کاری به تنهایی کافی نیست؛ از این رو از طریق جفت شدن با شفیع و بهره از نیروی او به هدف نائل می‌گردد.

ایشان در واقع در یک رویکرد عقلی، برداشت‌های عوامانه را از مفهوم شفاعت زدوده و آن را در چارچوب قواعد نظام تکوین، یکی از مصادیق سببیت می‌دانند. علت این امر آن است که شخص متوسل به شفیع، در حقیقت می‌خواهد سبب نزدیک‌تر به مسبب را میان مسبب و سبب دورتر واسطه کند تا این سبب جلوی تأثیر آن سبب را بگیرد. عَلَّامَه، شرط ورود شفاعت را دو مورد می‌داند: نخست؛ وجود زمینه‌ای در مشفوع و تأکید بر مطلق نبودن شفاعت، که در واقع شفاعت وسیله‌ای برای تتمیم سبب و نه سبب مستقل دانسته شود و دوم؛ غیرعقلایی نبودن تأثیر شفاعت شفیع نزد حاکم. با حفظ این دو شرط، شفیع از طریق تمسک به عاملی مانند صفاتی در مولا همچون عفو و کرم، یا صفاتی در مشفوع که اقتضای رحم دارد همچون خواری و فقر و ذلت یا صفاتی در نفس شفیع که مدنظر مولاست از قبیل محبت و منزلت نزد مولا، چنین عاملی را بر عامل مسبب کيفر، غلبه و رجحان می‌دهد که این به معنای ابطال حکم نیست، بلکه غلبه حکم است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۳۸-۲۴۱)

۶-۲-۲. شفاعت تکوینی و شفاعت تشریعی

تصویری که عَلَّامَه طباطبایی به‌طور عام از سببیت تکوینی و سببیت تشریعی ترسیم می‌کند، در همه عوالم جاری است. شفیعیت اسمای الهی در نظام اسباب و موجود شدن عالم امکان، از آنها نوعی از شفاعت تکوینی است؛ مانند رحیم، خالق، رازق، محیی و غیره. از آیه «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (قره: ۵۵) این نوع شفاعت برداشت می‌شود. ایشان مثالی برای نعمت وجود می‌زنند که از زوجیت صفاتی مانند فضل و جود خداوند، موجودیت می‌یابد، تا به مسبب خود دست یابد. از این رو از نظر عَلَّامَه، نظام سببیت به عینه منطبق بر نظام شفاعت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۵۰۹).

شفاعت تشریعی نیز در بسیاری از آیات قرآن به نحو اذن به برخی بندگان تملیک شده است. این شفعا با تمسک به صفات خداوند، یا صفات مشفوع یا صفات نفسی خودشان این شفاعت را انجام می دهند. (همان: ۲۴۳/۱) بنا براین علامه می کوشد مفهومی عام از شفاعت ارائه کند که در عوالم جاری و ساری است.

۶-۲-۳. طینت، لحوق، شفاعت

یکی از روش هایی که برای درک بهتر مفاهیم در متون دینی ضروری است، تشکیل شبکه حدیثی در یک موضوع و یافتن روابط بینامتنی در احادیث و آیات قرآن است. در همین راستا برای فهم بهتر مفهوم شفاعت و تنقیح آن از برخی شبهات و معضلات، این منظومه را با جمع بندی روایات شفاعت، طینت و آیات سعادت و شقاوت و خباثت و طیب، می توان تشکیل داد. در حوزه طینت روایات فراوانی دال بر آفرینش شیعیان از طینت وجودی معصومین: وارد شده است. علامه در تفسیر المیزان ذیل آیات متعددی، از جمله آیات مرتبط با خبث و طیب و سعادت و شقاوت، مانند آیه «كَمَا بَدَأْنَاهُ مِنْ نَارٍ فَتُحَدِّثُ فِيهَا صُفْرًا وَبَيْضًا وَكُلًّا مِنْهَا حَبْدٌ لَا يَخْفَىٰ لِيُتَّخَذَ لِلنَّاسِ حَبْوَةً وَيَعْلَمَ ظَنُّهُ أَنَّهَا شُرٌّ لِلْعَالَمِينَ» (اعراف: ۲۹-۳۰) یادآور روایات طینت شده اند و پس از بحث تفصیلی درباره این دسته از روایات، نتیجه گرفته اند روایاتی که به خلقت انسان ها از طینت علیین و سجین، یا طینت بهشت و جهنم اشاره می کنند، تبیین کننده آیاتی از قرآن هستند که همین معنا را می رسانند. به عنوان نمونه در آیه «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ» (انعام: ۹۵) به اعتقاد علامه، مقصود از حی، مؤمنی است که از طینت کافر به وجود می آید و مقصود از میت، کافری است که از طینت مؤمن به وجود می آید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۲۴/۷) این گونه آیات به قرینه ادله نقلی مانند روایتی از امام سجاد ۷ که فرمود: «خداوند متعال میثاق شیعیان ما را با ما بر ولایت ما گرفت، خداوند متعال ما را از طینت علیین و شیعیان ما را از طینتی پایین تر از آن آفرید و دشمنان ما را از طینت سجین و شیعیان شان را از طینتی پایین تر از آن خلق فرمود.» (ابن بابویه، ۱۳۶۶: ۲۵۲) و دیگر روایات از باب خلقت و طینت، به نیکی فهمیده می شود.

علامه طینت را در سعادت و شقاوت، بسیار دخیل می داند، هرچند به نحو اقتضای نه علیت. ایشان در بحث عقلی تأکید دارد ارتباط طینت در کنار دیگر شرایط مساعد برای





سعادت، با مبحث فوق، به نحو اقتضا است نه علی؛ زیرا خاصیت و اثر ماده در نحوه عمل انسان، مانع از اراده و سلطه خداوند نیست و در صورت وجود سبب قوی‌تر از اسباب گذشته، خداوند قادر است مجرای سیر فعلی انسان را به مجرای دیگری مبدل کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸/۱۲۴-۱۲۶)

در این رابطه، روایات باب طینت از دیدگاه علامه با آیات سعادت و شقاوت و خباثت و طیب متناظر هستند، چنانچه استدلال فلسفی نیز آن را تقویت می‌کند؛ مانند برهان غایت بالضروره عین فاعل است.^۱ بنابراین، آنچه که شیئی از وی سرچشمه گرفته و ذات وی از او تعین یافته است هم او باید منتهی الیه وجودش نیز باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۱۳) بدین‌سان قواعد فلسفی نیز در آیات سعادت و شقاوت و روایات طینت، سرّ لحوق و شفاعت را آشکار می‌سازند که همان الحاق ادنی به اعلی و فاعل به غایتی است که ابتدا از آن سرچشمه گرفته است. معارف برداشت‌شده از روایات طینت شیعیان نیز همین معنا را اثبات می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۱۳)

۷. شفاعت در عالم برزخ

در روایتی که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: «به‌درستی که شفاعت من، نسبت به اهل کبائر از امت است.» (صدوق، بی‌تا: ۱۹۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۶۵)

علامه مانند دیگر معارف قرآنی، مسئله شفاعت را از منظر روایات نیز به بحث گزارده است و نمونه‌هایی از روایات را در این زمینه بیان می‌کنند؛ مانند روایت صحیح سدید صیرفی از امام صادق (ع)، که به لحظات احتضار و حاضر شدن امامان معصوم (ع) بر بالین شخص مؤمن، اشاره دارد و روایتی در شأن امیرالمؤمنین (ع) که به رؤیت ایشان، توسط مؤمن و کافر در لحظ مرگ، اشاره دارد^۲ و روایات دیگر. سپس ایشان با شاهد گرفتن همین

۱. علامه در توضیح قاعده غایت، بالضروره عین فاعل است، می‌گوید: «آنچه که شیئی از وی سرچشمه گرفته است و ذات وی از او تعین یافته است، هم او باید منتهی الیه وجودش نیز باشد و از این‌جا معلوم می‌شود که در بهشت هر درجه بالاتر، در واقع فاعل درجه پایین‌تر است و اگر چنین امری در دوزخ هم قابل تصور باشد باید امر در آن برعکس باشد.»

۲. در غیبت نعمانی، در حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده: «هان هیچ يك از دوستان من نخواهد مُرد



روایات می‌گوید «سرّ این حقیقت که خداوند مطیعین را به اولیائشان ملحق می‌سازد، این‌گونه شرح می‌دهد که او ولیّ همه آنهاست و بعضی اولیای مقرب‌تر نیز ولیّ بعضی مراتب پایین‌ترند و روایات متعددی نیز مؤید همین نکات است» (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۸۳).

از منظر نشئات، شفاعت، مراتب مختلفی را دربرمی‌گیرد: نوعی از شفاعت، مخصوص قیامت است و آن شفاعت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) است که براساس روایات هیچ فردی از مردم و انبیا نیست مگر اینکه در روز قیامت به شفاعت حضرتش محتاج است.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۶۶/۱ و ۲۶۸) شفاعت دیگری ویژه نشئه برزخ و سكرات موت و سؤال قبر و مواقف برزخی است. علامه طباطبائی این مرتبه را جزء شفاعت نمی‌داند بلکه از قبیل تصرّفات و حکومتی می‌داند که خدا به ایشان عطا کرده است. تا به اذن او هر حکمی خواستند برانند و هر تصرفی خواستند انجام دهند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۶۴/۱)

وی در کتاب بررسی‌های اسلامی، در بحث از امامت و بیان جعل امامت برای حضرت ابراهیم (علیه السلام) در تفسیر قرآن به قرآن با آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء/۷۳) می‌افزاید: «هدایت امام در این آیه به معنای ایصال به مطلوب است؛ زیرا سوق دادن اعمال بندگان از بدو صدور در دنیا تا نقطه نهایی یعنی حساب اخروی بر عهده امام قرار دارد و روایات عوض اعمال و بالا رفتن اعمال مردم در ستون‌های نور کشیده شده تا عرش الهی، و حضور ائمه نزد محتضر و هنگام سؤال قبر و توزیع نامه‌های اعمال و صراط و شفاعت، همین معنا را متضمن است.» (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۲۲۳/۱)

بنابراین با تجمیع آرا درباره موضوع شفاعت می‌توان دریافت که منظور علامه از شفاعتی که در برزخ وجود ندارد، شفاعت کبری و شفاعت آمرزش گناهان مستوجب آتش جهنم است که عرصه آن قیامت است و در آخرین موقف از مواقف قیامت به کار می‌آید و موجب رهایی گنه‌کاران از آتش می‌شود، و بر مبنای منظومه متشکل از آیات شفاعت، آیات سعادت و شقاوت، روایات طینت و شروح علامه در باب انواع شفاعت جاری در عالم، نتیجه می‌شود که مرتبه‌ای از شفاعت که عمومیت داشته و سه شفاعت قولی، شفاعت تکوینی و

مگر این که مرا در جایی که بدان شوق دارد بیابد و هیچ يك از دشمنان من نخواهد مُرد مگر این که مرا آنجا که از آن اکراه دارد، بیابد» (حرّعاملی، ۱۳۶۲: ۲۲۳)



شفاعت تشریعی را دربرمی‌گیرد و به تعبیری شفاعت عام، هم در عالم دنیا و هم در عالم برزخ جاری است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۱/۲)

۸. شفاعت اولیای الهی در ادراکات نزدیک به مرگ در مقایسه با آرای علامه طباطبایی

بر اساس مجموع دیدگاه‌های علامه طباطبایی، شفاعت ابزاری است که در نظام اسباب و مسببات در نشئه دنیا، و نشئه برزخ و به‌طور خاص آن در عرصه قیامت، به نحو متناسب با هر نشئه، مقدر شده و بروز می‌یابد.

براساس گزارش‌های صد تجربه‌گر، درک محضر اولیای الهی و مقربان توسط بسیاری از آنان، در تجربه نزدیک به مرگ به دودلیل بوده است: ۱. به دلیل اعمال، زیارات و توسل‌اتی بوده است که از قبل به درگاه آن بزرگان داشته‌اند که در سنت تشافع و ارتباط وجودی قابل بررسی است؛ ۲. به دلیل توسلات والدین و فرزندان آنها در اثنای حادثه منجر به مرگ تقریبی^۱ بوده است که در سنت دعا و استغاثه در تغییر اجل غیرمحتوم و واسطه نمودن مقربان جای می‌گیرد.

علامه طباطبایی ذیل آیه «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنْثٰی بِاِمَامِهَا» (سراء: ۷۱) بیان می‌کند که امام واسطه در خواندن و دعوت است و دادن کتاب از قبیل همان حکومتی است که خدا به امام داده است. واسطه بودن امام به همان سبب در نظام اسباب، باز می‌گردد و حکومتی که خدا به امام داده تنها در نشئه قیامت کبری نیست.

علامه طباطبایی با استناد به آیات آفرینش انسان از گل و آیات سعادت و شقاوت مانند «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ، فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ» (اعراف: ۲۹-۳۰) که یکی از غرر آیات در اندیشه‌های کلامی است، نتیجه می‌گیرد پایان کار انسان از حیث خوشبختی و بدبختی همان چیزی است که در آغاز خلقتش بوده است: «پس این گل و طینت همان سرشت سعادت و شقاوت است و پایان کار سعید، بهشت و آخر کار شقی، دوزخ است. پس بهشت و دوزخ آغاز کارند، چون پایان کار نیز هستند. بنابراین صحیح است گفته شود افراد سعید و

۱. مصاحبه در مستند پژوهشی زندگی پس از زندگی، فصل چهارم، قسمت ۱۷، تاریخ: ۱۴۰۲/۱/۱۹

خوشبخت از طینت بهشت و اشخاص شقی و بدبخت از طینت آتش خلق شده‌اند.»

علامه همچنین از آیه‌ای که بیانگر قرار داشتن کتاب مقدّرات نیکان در علّیین و در مقابل، کتاب بدکاران در سجّین است؛ چنین بهره می‌گیرد که علّیین و سجّین همان پایان کار نیکوکاران و بدکاران است که دسته اول در نعمت و خوشی و دسته دوم در رنج و عذاب خواهند بود. ایشان بر این اساس، نتیجه می‌گیرد احادیث طینت هیچ‌گونه تضاد و اختلافی با آیات قرآن ندارند. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۰۶/۳-۱۰۸)

از برآیند این آرا و قراین مورد اشاره از آیات و روایات و تأییدشان بر روایات باب سرشت و طینت و صحّت روایات خلقت شیعیان از طینت ائمه^Δ و بازگشت هر جزئی در نهایت به کلی که از آن ناشی شده است، می‌توان پدیده شفاعت را در بستر نظام طینت نیز ارزیابی کرد؛ چنانکه تصریح فرموده‌اند: «ما و شیعیان ما از یک اصل و ریشه آفریده شده‌ایم و سرشت ما یکی است» (عطاردی، ۱۳۷۸: ۷۸/۱).^۱

نتیجه‌گیری

بر اساس اسناد و گزارش‌های موجود، تجربه نزدیک به مرگ در میان بیشتر شیعیان صبغه‌ای از درک مقربین و شفاعت دارد. این مؤلفه به‌ویژه در بازگشت تجربه‌گر به دنیا و اعطای فرصت دوباره به او نقش دارد. تجربه‌گران نزدیک به مرگ در مواردی از شفاعت و وساطت یکی از اولیای دین نزد خداوند، که از طریق اعمال و توسلات زمان حیات خود یا اطرافیان شان به‌نحوی به ایشان ارتباط یافته‌اند، برای بازگشت به دنیا و جبران گذشته خبر داده‌اند. از این رو نقش توسل مسیر و راه است و شفاعت نتیجه آن.

همچنین شفاعت با انسان‌شناسی و نظام خلقت و طینت در یک شبکه قرار دارد؛ زیرا در ساحت‌های سه‌گانه ذات، صفات و اعمال انسان، نقش ایفا می‌کند. بسته به ساحت تطابق و تشافع، دامنه شفاعت صاحبان این مقام نیز گسترده‌تر خواهد بود. از دریچه این شبکه، مطالعه شفاعت در تجربه‌های نزدیک به مرگ قابل پیگیری است. تجربه‌گرانی که تناسب بیشتری با اولیای خود داشته‌اند، زودتر و شایسته‌تر مورد عنایت قرار گرفته‌اند. برخی نیز به

۱. ترجمه کتاب الایمان و الکفر، جلد ۶۴ بحار الانوار علامه مجلسی، طبع بیروت.





واسطه انجام عملی در حق یکی از محبان و ارادتمندان امامان، که آن عمل جلوه‌ای از صفات اهل بیت مانند گذشت بوده است، شامل شفاعت شده‌اند.^۱ همچنان که عده‌ای با وجود دوری از بُعد افعالی و صفاتی، چون در ذات خود، ارتباط وجودی داشته‌اند، هنگام مشقت با ندایی از باطن ذات، توسط ایشان یاری و شفاعت شده‌اند.^۲

تجربه‌گران مرتبط با یکی یا هر سه این ساحات، در نشئ غیرمادی از لطف و یاری سرشار اولیای خدا نسبت به محبین و متوسلین به خود بهره‌مند شدند و به گونه‌ای با آن ذوات پاک الهی احساس سنخیت و هماهنگی داشتند که برخی حتی به بازگشت به دنیا تمایل نداشتند. برخی نیز بسته به خطاها و گناهانی که مرتکب شده بودند، توسط آن مقدسین، شفاعت شدند که برای جبران گذشته به دنیا بازگردانده شوند.

بنابراین با عرضه نمودن این گزارش‌ها بر بسیاری از آیات و روایات که به آن اشاره شد و بررسی مبانی اندیشه علامه طباطبائی از منظر شفاعت، این مؤلفه ضمن سابقه طولانی در اعتقادات شیعی از صحت برخوردار است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، الاعتقادات الامامیه، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۶)، علل الشرایع، ترجمه هدایت الله مسترحمی، چاپ ششم، تهران: نشر مصطفوی.
۴. ابن سینا (۱۳۷۷ق)، الاشارات و التنبيهات، ج ۱، تهران: بی‌نا.

۱. مصاحبه فصل سوم مستند زندگی پس از زندگی، تاریخ ۶/ ۲/ ۱۴۰۱ (شفاعت حضرت ابوالفضل ۷ برای بازگشت تجربه‌گر به‌خاطر گذشت از سیلی شهید مدافع حرم)
 ۲. مصاحبه فصل دوم مستند زندگی پس از زندگی، قسمت ۳۰، تاریخ ۲۰/ ۲/ ۱۴۰۰



۵. ابن قولویه، محمد بن جعفر (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویه.
۶. اصفهانی، راغب، حسین بن محمد (۱۳۸۷)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد خلیل عیتانی، تهران: نشر آرایه.
۷. الکساندر، ایبن (۱۳۹۶)، بهشت برین حقیقت دارد، ترجمه محمود دانایی، تهران: پندارتابان.
۸. امینی خواه، مصطفی (۱۴۰۰)، جلسات تفسیر قرآن، مشهد: بی نا.
۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۳ق)، مدینه المعاجز الاثمه الاثنی عشریه، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۰. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۲)، الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، ترجمه احمدجنتی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: نوید.
۱۱. جوادی آملی عبدالله (۱۳۹۴)، تحریر ایقاظ النائمین. ج ۱، قم: نشر اسراء.
۱۲. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱)، تقریرات فلسفی، تحقیق عبدالغنی اردبیلی، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. دستغیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۶)، داستان های شگفت، تصحیح سید هاشم دستغیب، چاپ دوم، قم: دارالکتب.
۱۵. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، شرح و ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۸)، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه محمدصادق لاریجانی، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۷)، آغاز فلسفه (ترجمه بدایة الحکمة)، ترجمه محمدعلی گرامی، قم: بوستان کتاب.
۱۸. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۸)، بررسی های اسلامی. چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.



۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸)، رسائل توحیدی، بی‌جا، بی‌نا.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۲۳.ه.ق)، طریق عرفان (ترجمه رساله الولایه)، قم: نشر بخشایش، نرم افزار مجموعه آثار علامه طباطبایی.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا)، مجموعه آثار، نسخه ۲، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری/ محمدآخوندی، چاپ چهارم، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مصاحبه‌های آرشیو شبکه ۴ سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹-۱۴۰۲)، مستند زندگی پس از زندگی، تحقیق و اجرا: عباس موزون: <https://tv4.ir>
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، ج ۱، تهران: مؤسسه نشر آثار شهید مطهری.
۲۵. مودی، ریموند (۱۳۶۳)، زندگی پس از زندگی، ترجمه فرخ سیف بهزاد، تهران: فاریاب.